

ریخت و جهل صباغ دیگر وا گذاشت . چون آن گل خمرشید  
آرا برگرفت و بشدت مالش داد و بناگاه مخلوقات مانند  
مور به جنبش درآمدند . سپس به اصحاب یمین فرمود :  
سلامت بسوی بهشت بروید . و به اصحاب شمال فرمود : به  
سوی دوزخ بروید ، و باکی از هیچکس ندارم ( ! )

( اصول کافی ، کتاب الامان

والکفر ، باب آخر منه )

— علی بن محمد از صالح بن ابی حماد ، و او از حسن  
بن یزید ، و او از حسن بن علی بن ابی حمزه و او از  
ابراهیم ، روایت کرده است که امام ابی عبدالله  
صادق علیه السلام فرمود : همانا خدای عزوجل چگون  
خواست آدم علیه السلام را بیا فریند ، در ساعت اول روز  
جمعه جبرئیل را فرستاد تا بیدست راستش که از آسمان  
هفتم به آسمان دنیا میرسد مشت کرد ، و از هر آسمان  
خاکی برداشت و مشت دیگری از زمین هفتم بالا تا زمین  
هفتم دور برگرفت ، سپس خدای عزوجل جبرئیل را دستور  
داد تا مشت اول را بدست راست و مشت دوم را بدست چپ  
خود نگاه داشت . سپس آن گل را به دو قسمت شکافت و  
آنچه از زمین بود به قسمی ، و آنچه را هم که از آسمانها  
بود به قسم دیگر درپاشید . آنگاه خدای تعالی به  
آنچه در دست راست جبرئیل بود فرمود : رسـولان و  
پیغمبران و صدیقان و مؤمنان و آمرزیدگان و هر که را که  
عزتش را خواستم از تو پدید آورم ، و همانطور که فرمود  
شد . و سپس نسبت به آنچه در دست چپ جبرئیل بود  
فرمود : ستمگران و مشرکین و کفار و طغیانگران علیه من ،  
و هرکس دیگر را که خواری و گمراهیش را خواستم از تو  
پدید آورم ، و همانطور که فرمود شد .

( اصول کافی ، کتاب الامان والکفر ،

باب طینة المؤمن والکافر )

— محمد بن یحییٰ از احمد بن محمد ، و او از ابن فضال ،  
 و او از ابراهیم بن مسلم الحلوانی ، و او از ابی اسما عیل  
 الصقلی رازی ، و او از ابی عبدالله امام صادق علیه  
 السلام روایت دارد که امام علیه السلام فرمود : در  
 بهشت درختی است که نامش " مرن " است ، و چون خدای  
 عزوجل خواهد مؤمنی بیافرید ، قطره‌ای از شیره آن  
 بحکایت . آن قطره به هر سبزی و میوه ای که رسد و مؤمن  
 یا کافری از آن بخورد ، خدای عزوجل از طلب او مؤمنی  
 خارج کند .

( همان کتاب )

— و محمد بن یحییٰ از محمد بن الحسین ، و او از محمد  
 بن اسما عیل ، و او از صالح بن عقبه ، و او از عبدالله بن  
 محمد الحنفی ، و او از حضرت ابی جعفر امام باقر  
 علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود : همانا  
 خدای عزوجل هر مخلوقی را که دوست داشت از آنچه دوست  
 داشت آفرید و هر که را دشمن داشت از آنچه مورد بغضش  
 بود آفرید ، و بدین سان گروهی را از طینت بهشتی و  
 گروهی دیگر را از طینت دوزخی خلق کرد .

( همان کتاب )

— و احمد بن محمد از حسین بن موسی ، و او از احمد  
 بن عمر ، و او از یحییٰ بن آبان ، و او از شهاب روایت  
 دارد که گفت : از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه  
 السلام شنیدم که اگر مردم میدانستند خدای تبارک و  
 تعالی مخلوق خود را چگونه آفریده ، هیچکس دیگری  
 را سرزنش نمیکرد . عرض کردم : اصلحک الله ! مگر

چگونه بوده است؟ فرمود: " همانا خدای شـمارک و تعالی اجرائی آفرید و آنها را تا ۴۹ جزء رساند . پس هر جزئی را ده بخش کرد ، و آنگاه همه را میان مخلوقش بخش کرد ، چنانکه به مردی یکدهم جزء داد و بددگری دو دهم ، تا به یک جزء کامل رساند ، و به دیگری یک جزء و یک دهم داد و به دیگری یک جزء و دودهم ، تا به دو جزء کامل رساند ، پس بهمن حساب تا آنها داد تا به عالیترینان چهل و نه جزء داد . پس کسی که بسزا یکدهم جزء دارد نمیتواند مانند آن کسی باشد که دودهم جزء دارد ، و نیز آنکه دو دهم دارد مثل صاحب دهم نتواند بود ، و کسی که یک جزء کامل دارد نمیتواند مانند آن کسی باشد که دو جزء دارد . و اگر مردم میدانستند که خدای عزوجل این مخلوق را به این وضع آفریده دیگر هیچکس دیگری را سرزنش نمیکرد .

( همان کتاب )

— و محمد بن یحیی از محمد بن الحسن ، و او از بن شعیب ، و او از عبدالغفار الحجازی ، روایت کرده است که امام ابی عبدالله جعفر صادق علیه السلام فرمود: همانا خدای عزوجل مؤمن را در هنگام خلقت از طبیعت بهستی آفرید و کافر را از طبیعت دوزخی . و فرمود : چون خدای عزوجل نسبت به بندهای خیرخواهد ، روح و بیکرش را پاک سازد . و نیز شنیدم که میفرمود طبیعت ها بر سه گونه اند : اول طبیعت پیغمبران ، که مؤمنین نیز فرع آنها باشند و این مؤمنین از گل ثابت و چسبیده آفریده شوند ، دوم طبیعت بدکاران که از گل سیاه بدبوساخته شود ، سوم طبیعت مستضعفین که از خاک است . لاجرم مؤمن از ایمان خود برگردد و ناصبی از کفر خود ، و امر مستضعفین مربوط به خواست خداوند است که بجانب ایمان

با حساب کفر گرایید .

( همان کتاب )

— محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی ، و او  
از حس بن محبوب ، و او از حسین بن نعیم الصحیاف  
حدیث کند که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود :  
همانا خدای عزوجل همه مردم را سرفطرت ساده آفرید که  
نه ایمان بفهمند و نه کفر ، پس رسولان را فرستاد که آسمان  
را به آسمان به خدا دعوت کنند ، پس برخی را خداوند به آسمان  
هدایت فرمود و برخی را هدایت نفرمود .

( اصول کافی ، باب نبوت و الانبیاء و  
هل يجوز ان ينقله الله )

— خداوند شکم مادر هر کس ملکی گماشته است که  
گوید : خدایا ، این آدم اکنون نطفه است . خدایا ،  
اکنون علقه است . خدایا ، اکنون مضغه است . و وقتی  
خداوند اراده بر تکمیل خلقت او فرمود ، گوید : خدایا ،  
بدبخت باشد یا خوشبخت ؟ نریشد یا ماده ؟ و روزی او  
و عمر او چه باشد ؟ و در همان شکم مادر هر چه را که باید  
باشد ، رقم میزند .

— خداوند مخلوق خود را در تاریکی بیافرید و از نور  
خود بر آنها انداخت . هر کس در آن روز از آن نور بدو  
رسید رستگار شد و هر کس از آن دور ماند گمراه گردید .

— خداوند وقتی بنده ای را دوست دارد ، جبرئیل  
را فروخواند و گوید : من فلانی را دوست دارم تونیزا و  
را دوست بدار . و جبرئیل او را دوست دارد . سپس جبرئیل  
در میان اهل آسمان بانگ زند که خداوند فلانی را دوست  
دارد ، شما نیز او را دوست بدارید ، و اهل آسمان او را

دوست دارند ، پس از آن در زمین نیز مقبول گسار واقع  
شود . و چون خداوند بنده ای را دشمن بدارد ، حبرئیل  
را فرودخواهد و گوید : من فلانی را دشمن دارم ،  
نو نیز او را دشمن بدار . و حبرئیل او را دشمن دارد .  
سپس حبرئیل در میان اهل آسمان با خبرد که خداوند  
فلانی را دشمن دارد ، شما نیز او را دشمن بدارید . و  
اهل آسمان او را دشمن دارند ، و در زمین نیز مخصوص  
گسار شود .

- خداوند کسانی را از آفریدگان خود برای نیکو  
کاری فرار داده و نیکی را محبوب آنها ساخته و میل  
انجام آنها در دلشان انداخته و طالبان نیکی را به  
سویشان روان کرده و انجام نیکی را برای آنها آسان  
کرده است ، چنانکه باران را آسان به زمین بیی آب  
میرساند تا آنها آباد و مردمش را بهره مند سازد .  
و خداوند کسانی را از آفریدگان خود دشمن نیکوکاری  
قرار داده و نیکی را منفور آنها ساخته و انجام آنها  
بر آنها ممنوع گردانیده ، چنانکه باران را بر زمین بیی  
آب ممنوع میکند تا آنها خراب و مردمش را هلاک کند .  
- وقتی خداوند بخواهد قضا و قدر خویش را اجرا  
کند ، عقل صاحبان عقل را میگیرد و قضای خویش را در  
باره آنان جاری میسازد . وقتی فرمان وی انجام گرفت  
عقولشان را باز پس میدهد و آنوقت آنها از کار خود  
پشیمان میشوند .

- وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد ، روزی او را  
بقدر کفایت کند .

- بدبخت آن است که در شکم مادرش بدبخت خلق

شده است . ( نهج الفصاحه ، سخنان حضرت

محمد . گردآوری شده از : اصول

اربعه ، صحاح سته ، الجامع الصغیر )